



فرط خجالت، دست دخترش را گرفته بود و بیرون آمد. کاسه کوزه را سر من می‌شکستند تا اینکه بالاخره در یک برنامه تلویزیونی، موضوع را روشن کرد. فیلم دیگری هم بود که شخص دیگری به جای جان وین صحبت کرده بود. آقای محترم مرآ خواست و اعتراض کرد که: «یک فیلم را چیز نگفتم، دو تا شد چیزی نگفتم، سه تا شد... این مزخرفات چیست که در فیلمها؟» گفتم که: «گفتم در مورد من اصلاً گذشت نکید، ولی این فیلمهای را که می‌گویید، من حرف نزد همایم. گفت: «یعنی می‌گویی من صدای تو را نمی‌شناسم بعد از این همه سال؟» فیلم را گذاشتیم و دیدیم، و گفتم که دقت کن، این صدای من نیست، صدای فلانی است. دقیقاً تعدادش را نمی‌دانم اما حدود ده فیلم جان وین را دیگران دوبله کردند: محترم، هوشمنگ کاظمی، ناصرالله متقالچی، جلیلوند، شایکان، نوروزی و فریدون تقی.

■ خوب اگر کسان دیگری می‌توانند صدای شما را تقلید کنند، جرا مدام به سراغ شما می‌آمدند؟

□ چون سؤله فقط تقلید صدا نیست. تنظیم دیالوگها هم به عهده من بود، که این هم اهمیت بسیار دارد. البته من فقط گوینده و مدیر دوبله فیلمهای جان وین نبودم و فیلمهای مهم بسیاری را دوبله کردم. از جمله ده فرمان، هفت دلاور، داستان وستساید، توان، وایکینگها... بجز فیلمهای جان وین و بعضی فیلمهای کمدی، در میچ فیلمی دیالوگها را آن طور تنظیم نمی‌کردم و خوشان می‌آید، اما این صحته، دیگر ربطی به هاکر ندارد. می‌شود با تکه‌های پراکنده فیلمهای مختلف، کولازی خنده‌دار و حتی با مفهوم ساخت، اما حاصل کار، هیچ ارتباطی با سازندگان آن فیلمهایی که تکه‌هایی از آثارشان مورد استفاده قرار گرفته، ندارد. کار شما خیلی بازه است و تماشگر، حتی خوشی می‌آید، اما هر چه غیراخلاقی وجود داشت که من آنها را به خاطر رعایت تماشگران اعراض می‌کردم.

به هر حال آن فیلم را به خاطر نمی‌آورم، اما نیلمی را به یاد می‌آورم که جان وین نقش کلاتری را بازی می‌کرد که یک نفر را دستگیر می‌کند و در گاری دستهایش را می‌بندد و خودش هم گاری را می‌راند و در بیان به راه می‌افتد. آفتاب بشدت می‌تابد، جان وین چتری روی سرش گرفته و گاری را آهسته می‌راند و در همان حال، آوازی در وصف شب و مهتاب من خواند. در اواسط آواز او، زندانی که از گرم و پیش روی آهسته گاری و آواز خوانی جان وین کلانه شده، به او اعتراض می‌کند که این چه جور گاری راندن است، آفتاب پدر مرا درآورد، آن وقت تو از شب و مهتاب می‌خوانی؟

خوب، من اینجا خواندم: «امشب شب مهتاب،

باشد، بله حق با شماست. اما به طور مثال، فیلمهایی که جان وین برای هاوکز و فورد بازی کرده، به رغم طنز ظرفی که در شخصیت او - حتی در همین فیلمهاست - فیلمهایی کاملاً جدی و ماندنی هستند، هر چند در قلمرو سینمای تجاری ساخته شده‌اند.

□ اگر هم ماندنی هستند، به عنوان فیلمهایی تماشاگریست و پول‌ساز ماندنی هستند، و من با گفتن آن جمله‌ها، هیچ خیانتی به عالم هنر و عالم

غیر هنر می‌شناسید که به آن سویش کاری ندارید اما در این سو، چنین روشنی را مجاز می‌دانید. بعد هم به صرف اینکه تماشگر خوش می‌آید و به خواسته تماشگر احترام می‌گذارد، همین روش را ادامه دادیم.

□ بینید، من با هجو و ابتدال موافق نیستم و هر کار

ممکن را نکردم. اگر شما یک جمله مبتذل و مستهجن

در کار من سراغ دارید، بگویید، خیلی سپاسگزار

می‌شوم.

■ باز این هم بر می‌گرد به تعريفهای ما از این واژه‌ها.

منظور این نیست که جمله‌ها، غیراخلاقی بوده. طبعاً همه فیلمها را به خاطر ندارم، اما مثلاً در فیلم ریولوپر (۱۹۷۰)، هاوارد هاکن، صحنه‌ای هست که جان وین وارد شهری شده و دارد با دندانپیشک به سوی محل کار او می‌رود تا به بهانه معالجه دندانش، از او اطلاعاتی کسب کند. وقتی پشت به دروین دارد می‌رود، شما روی تصویرش تصنیف «دندون دنون کن» را می‌خوانیدا خوب من و تماشگران می‌خنیدم و خوشان می‌آید، اما این صحته، دیگر ربطی به هاکر ندارد. می‌شود با تکه‌های پراکنده فیلمهای مختلف،

کولازی خنده‌دار و حتی با مفهوم ساخت، اما حاصل کار،

هیچ ارتباطی با سازندگان آن فیلمهایی که تکه‌هایی از آثارشان مورد استفاده قرار گرفته، ندارد. کار شما خیلی

بازه است و تماشگر، حتی خوشی می‌آید، اما هر چه

تماشگر خوش بیاید که حتی مجاز نیست.

□ درست به خاطر ندارم که ریولوپر را من دوبله

کردم یا نه.

■ بارها این فیلم را دیده‌ام و مطمئن که کار شماست.

□ کسان دیگری هم چند فیلم جان وین را دوبله کرده‌اند. اینکه پس از ده سال کار در مولن روژها آنچه را رها کردم، حکایتی دارد که بماند. تصمیم گرفتند برای مقابله با من، دوبلورهای دیگری علم کنند که به

جای جان وین حرف بزنند. به یکی از آنها کارت سفید دادند که هر چه دلت می‌خواهد بگو، این کار را به ابتدال کشانند. یکی از دوستانم با دخترش به سینما رفته بود برای دیدن یکی از همین فیلمها. وسط فیلم از

همه دنیا تو می‌گشتد و می‌خواستند درباره دوله این فیلم با تو حرف بزنند. مردم خیلی خوشان آمده بود. نفس عمیقی کشیدم.

بعد دیدم مطبوعات هم از دوله فیلم تعریف کردند ر این شیوه، روی جان وین ماند. از آن پس هم هر چه فیلم از جان وین می‌آمد و من دیدم و دیالوگها را شنیدم و خواندم، به این نتیجه رسیدم که جز همین شیوه، دوله جان وین می‌سیچ راه دیگری ندارد. فیلمها و شخصیتهایی که بازی می‌کرد، جور دیگری به من اجازه دوله نمی‌داد.

■ البته خیلی از فیلمهای جان وین، همین طوریست که شما می‌گویید، اما او فیلمهای جدی هم بازی کرده...

□ اینها هم جدی بود...

■ بینید، مثلاً فیلم شمال به آلاسکا [در ایران: به سوی آلاسکا، ۱۹۶۰، هنری هاتاوی] را به همان شیوه

آنشای خودتان دوله کرده‌اید که کاملاً مناسب و جذاب این فیلم است. یعنی تقریباً می‌توان آن را وسترن کمی نامید. اما شما حتی فیلمهای جدی هاوکز و فورد را که جان وین در آنها بازی کرده، با همین شیوه دوله کرده‌اید. نکته دیگر اینکه در همان فیلمهایی که شیوه دوله شما متناسب با نیابت، مزه‌برانی‌ها و دیالوگهای به اصطلاح «پس گردنی» که در فیلم اصلی نیست جای انتقاد دارد، هر چند که فیلمها را بازمه و خنده دارتر می‌کند. یکی از اتهامهای دیالوگ‌های پس گردنی، شما متخصص آن اتهامها، همین دیالوگ‌های پس گردنی، که شما متخصص آن بودید و در تمام انتقادها، دوله شما در فیلمهای جان وین هم مطرح می‌شد.

■ علت آن انتقادها این بود که عده‌ای از دوبلورها،

پس از موقوفیت دوله فیلمهای وین، در استفاده از جمله‌های پس گردنی، شور این کار را در آوردن و بسیار افزایش کردن. من این جمله‌ها را بجا به کار می‌بردم. شما در فیلمهای جان وین، یک نمونه را مثل بزیند که جمله‌ای را نامناسب گفته باشم، نه ناجا. چون

فرق است بنامناسب و ناجا.

■ تعریف خود شما از این دو عبارت چیست؟

■ جمله نامناسب آن است که همخوانی و تناسبی با آن شخصیت و فیلم نداشته باشد. اما جمله ناجا آن است که اصلًاً جایش در آن جایی که گفته می‌شود، نباشد. دیگران، جمله‌های ناجا را به افزایش به کار برند و باعث شدند که انتقاد از جمله‌های پس گردنی - بحق - در نوشته‌های منتقدان جاری شود. طبعاً چون ابداع کننده این کار من بودم، گناهش هم به حساب من نوشته شد.

■ اصلًاً شان نزول این «ابداع» چه بود؟

■ چون می‌طلبید، کدام یک از جمله‌های من نامناسب بوده؟ شما هر جمله پس گردنی را که از من شنیده‌اید، خوشان آمد و خنده‌یده‌اید. من به خواست تماشگر احترام می‌گذارم.

■ شما تعریف از «نامناسب» و «ناجا» کردید. اما به نظر

من، هر چه در فیلم اصلی نبوده و شما به آن اضافه کردیده‌اید یا تغییر اساسی داده‌اید، هم می‌شود نامناسب، هم ناجا. چون اثر اصلی، خنده‌دار و تحریف شده، باری به آن اضافه، یا از آن کم شده.

■ برداشت شما هم از این عبارتها کاملاً صحیح است. اما فیلمهای جان وین آثار آنچنان هنری هم نیستند که این نوع دوبله، آنها را بکلی دگرگون کنند.

■ باشد بینید تعریف شما از فیلم هنری و غیرهنری چیست. البته اگر منظور از فیلم هنری، مثلاً فیلمهای تارکوفسکی